

بررسی ادراک دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی از ویژگی‌های منفی اساتید دانشگاه

مقاله پژوهشی
اصیل
*Original
Article*

فاطمه رضانی^۱

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی ادراک و تجربه دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی از ویژگی‌های منفی اساتید دانشگاه صورت پذیرفت. **روش:** روش تحقیق، کیفی و از نوع پدیدارشناسی بود. افراد مورد مطالعه، دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد و دکتری در سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ (دهه ۹۰) بودند که از میان ایشان، بر اساس روش نمونه‌گیری در دسترس، ۲۰ نفر به عنوان مشارکت‌کننده انتخاب شده و برای گردآوری اطلاعات از ایشان از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته و برای تحلیل یافته‌ها از روش کلایزی استفاده شد. **یافته‌ها:** پس از تحلیل و تنظیم نتایج، ویژگی‌های منفی اساتید در قالب سه مضمون اصلی و ۴۴ مضمون فرعی دسته‌بندی شد؛ که مضامین اصلی شامل «عیوب اخلاقی و ضعفهای شخصیتی»، «نقایص آموزشی و کلاس‌داری» و «ایرادات و قصورات پژوهشی» می‌باشند. **نتیجه‌گیری:** از نظر دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی مورد مصاحبه در این پژوهش، ضعفها و قصورات شخصیتی، آموزشی و پژوهشی در برخی از اساتید خدشه به جایگاه ایشان وارد آورده و از نفوذ علمی و تربیتی ایشان بر دانشجویان کاسته است؛ بر این اساس، از اساتید انتظار می‌رود تا با نظر به این ویژگی‌ها، همواره پیش و بیش از دیگرسازی، مسیر رشد و خودسازی را دغدغه‌مندانه پیمایند.

واژگان کلیدی: دانش‌آموختگان، تحصیلات تکمیلی، اساتید، ویژگی‌های منفی.

◆ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۲

۱. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان. خرم‌آباد،

ایران. ramezani.f@lu.ac.ir

الف) مقدمه

در جامعه ایرانی از دیرباز دانشگاه و استاد و عالم از وجاهت و وزانت خاصی برخوردار بوده‌اند و استاد و عالم همواره به عنوان نماد تربیت، تدبیر، عقلانیت و مصلحت شناخته شده و رای و تدبیر آنان در امور مختلف، مورد اعتنا و ایشان امین و خیرخواه جامعه بوده‌اند (قنبری برزبان، ۱۴۰۱). این جایگاه اساتید را نتایج پیمایش‌های ملی نیز تأیید کرده و بر این مهم، مهر تأیید زده‌اند که اساتید دارای سرمایه اجتماعی بالا و از قابل اعتمادترین اقشار جامعه‌اند و تاکنون توانسته‌اند شأنیت و جایگاه خویش را در نگاه مردم حفظ کنند؛ به طوری که در آخرین نظرسنجی اسپا^۱ در اسفند ۱۴۰۰، بعد از معلمان و کارکنان نیروی انتظامی، اساتید با بیش از ۵۰ درصد اعتماد، رتبه سوم را به خویش اختصاص داده‌اند. این نگاه مثبت به این کسوت مهم و تأثیرگذار، برخاسته از این حقیقت است که افرادی که به عنوان استاد به جامعه معرفی می‌شوند، دارای رسالت و تکالیفی بسیار حساس، سخت و پر ارزش‌اند. (سیدعامری و امرایی، ۱۳۹۸)

اساتید دانشگاه، خلاقیت فکری هر کشور را نشان می‌دهند و الگویی از تدبیر، بصیرت و پیشرفت دائمی‌اند (بلاسکووا^۲ و همکاران، ۲۰۱۴). ایشان به عنوان رکن اساسی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و بازوی اجرایی رسالت سه‌گانه دانشگاهها (آموزش، تحقیق و ارائه خدمات) محسوب می‌شوند (نوه‌ابراهیم و پورکریمی، ۱۳۸۷)؛ هرچند برای استادان، اغلب تأکید اولیه بر جنبه‌های آموزشی و پژوهشی و تأکید ثانویه بر خدمات برای جامعه یا مدیریت در دانشگاه است (هوستون و همکاران^۳، ۲۰۰۶) و در تمام جوامع نیز آموزش دانشجویان، اصلی‌ترین و عمده‌ترین وظیفه ایشان است (تیرگر و همکاران، ۱۳۹۷). استاد دانشگاه در ارتباط مستقیم و دائمی با دانشجویان است؛ به آنان اطلاعات و دانش می‌دهد و کمک می‌کند مهارت کسب کنند و آنها را ارتقا دهند و شایستگی‌های خود را توسعه دهند. همچنین سعی می‌کند رشد دانش آنان را به طور عینی ارزیابی کند و تلاشهایشان را هدایت کند تا بتوانند، نخست به طور صحیح قدرت علمی خود را بسازند و سپس شایستگی‌های خود را برای همیشه حفظ کنند. (بلاسکووا و همکاران، ۲۰۱۴)

البته در جامعه ایران، انتظار از اساتید در نقش‌آفرینی آموزشی خلاصه نمی‌شود و «از مهم‌ترین مطالبات این است که استاد در تعاملات اجتماعی خود با دانشجویان و در سلوک

1. www.ispa.ir
2. Blaskova
3. Houston

بررسی ادراک دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی از ویژگی‌های ... ♦ ۱۳۳

علمی و فرهنگی خود، به گونه‌ای باشد که دانشجویان انگیزه‌مند شده و سیره علمی، اجتماعی- فرهنگی استاد خود را در زیست اجتماعی به عنوان معیار و الگو مورد استفاده قرار دهند» (قنبری برزبان، ۱۴۰۱). این انتظار و توقع از اساتید، در قالب سند دانشگاه اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این سند ملی بر مواردی چون: «ترغیب اساتید به مشارکت در فعالیتهای فرهنگی- تربیتی و اجتماعی، ترویج نقش و جایگاه تربیتی و اخلاقی اساتید و نهادینه‌سازی آن در جامعه، تقویت نقش استاد مشاور به منظور تسری نقش اساتید از حوزه‌های آموزشی به حوزه‌های فرهنگی- تربیتی و...» پرداخته شده و در بخش دیگری، بر ایجاد سازوکار لازم برای حضور تمام‌وقت اعضای هیئت علمی در دانشگاهها و افزایش تعاملات استاد و دانشجو در خارج از کلاس با نظر به وظیفه شاگردپروری اساتید، تأکید شده است (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲). بسیاری از اساتید به این وظیفه حرفه‌ای و اجتماعی، قائل بوده و دغدغه‌مندانه رشد و برکشی اخلاقی و علمی دانشجویان را پی‌جویی می‌کنند. اما در این میان، تعداد معدودی نیز بدون توجه به ارزشمندی و تأثیرگذاری جایگاهی که در آن قرار دارند، حد و مرزهای اخلاق حرفه‌ای را زیر پا گذاشته، خاطرات و تأثیرات ناخوشایندی را در ذهن و جان شاگردان‌شان بر جا می‌گذارند و بدین واسطه، نه تنها در مسیر رشد، تعالی و تربیت افراد تحت تعلیم خود حرکت نکرده، بلکه به مثابه مانعی در این مسیر عمل می‌کنند (رضانی و همکاران، ۱۳۹۸) و به الگوهای غلط در جامعه بدل می‌شوند. این یک واقعیت است که «اگر الگوها ضعیف و دروغین یا دچار انحراف باشند، نقش تخریبی غیر قابل انکاری را در ساختار روانی و شکل‌گیری شخصیت انسان خواهند داشت» (باقرپور، ۱۳۹۷)

در توضیحی بیشتر باید گفت، استادان مهم‌ترین ارکان آموزش عالی به حساب می‌آیند؛ تا آنجا که آرمان و رسالت مؤسسات آموزشی و سیاست کلی مبتنی بر رشد فکری و روحی فراگیران توسط آنان محقق می‌شود و در رشد اخلاقی دانشجویان نیز الگویی تأثیرگذار محسوب می‌شوند (امراهی و همکاران، ۱۳۹۳). اساتید با روح و روان و احساسات فراگیران سروکار دارند؛ بنابراین، اگر به درستی عمل نکنند، زیانهای جبران‌ناپذیری بر جای خواهند گذاشت. در واقع؛ عملکرد و ویژگی‌های استاد است که باعث دستیابی به اهداف آموزشی و تربیتی و یادگیری دانشجو می‌شود و بدین لحاظ است که ویژگی‌های اساتید و مدرّسان همواره مورد توجه بسیاری از محققان دنیا بوده است و دیگر مطالعات، توجه مدرّسین به دیدگاههای

دانشجویان را برای شناخت نقاط قوت و ضعف خویش در جهت ایجاد حرکت و پویایی به سوی استاد مطلوب را قویاً توصیه کرده‌اند. (مظلومی محمودآباد و همکاران، ۱۳۸۹)

با نظر به این جایگاه و این حد از تأثیرگذاری اساتید، استحصال ویژگی‌های منفی و بد اساتید، هدفی است که پژوهش حاضر دنبال می‌کند تا در کنار تحقیقات پرشماری که در رابطه با اساتید خوب و ویژگی‌های مثبت ایشان به نگارش درآمده، به اساتید بد و خصوصیات منفی ایشان بپردازد و بدین‌گونه، الگوها، عملکردها و رفتارهای منفی و ناخوشایند را در برابر دیدگان خیل کثیر اساتید دانشگاه قرار دهد تا در مسیر رشد و تعالی خویش و انجام وظایف آکادمیک و شاگردپروری، نظری به آنها داشته باشند و خویشتن را از این خصلتها پیراسته سازند و بر پایه توصیه سعدی (۱۳۹۰)، ادب را از بی‌ادبان بیاموزند (گلستان، حکایت ۲۱). پی‌جویی این هدف در پژوهش حاضر بر پایه این سؤال خواهد بود: «دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی از ویژگی‌های منفی اساتید چه تجربه و ادراکی دارند؟»

۱. پیشینه

در رابطه با ویژگی‌ها و خصوصیات شخصیتی و آموزشی اساتید خوب و اثربخش، آثار مختلفی به نگارش درآمده که جدیدترین آنها به شرح ذیل است:

و کیلی و همکاران (۱۳۸۷) به این نتیجه رسیده‌اند که در دسترس بودن و حضور به موقع استاد در کلاس، تسلط علمی استاد، پاسخگویی به سؤالات فراگیران و طرح سؤال در هر جلسه و شیوایی بیان، از مهم‌ترین ویژگی‌های مدرس خوب می‌باشند. سبحانی‌نژاد و رسولی (۱۳۸۸) سعی مداوم استاد بر ایجاد روحیه تحقیق در دانشجو، توجه استاد به سخن دانشجو، حضور استاد در کلاس با مطالعه قوی، دقت استاد در شکافتن مطلب برای فهم عمیق دانشجو و سنجش درک و فهم شاگرد در ابتدای درس را به عنوان ویژگی‌های مهم برای اساتید ذکر کرده‌اند. هرنیدی‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) نتایج تحقیق خود از بررسی ویژگی‌های استاد خوب را بدین شرح ارائه داده‌اند: «باید بر موضوع مورد تدریس، تسلط کافی داشته باشد؛ اطلاعات به روز و جدید ارائه کند؛ در برابر وظیفه‌اش، احساس مسئولیت کند؛ با اشتیاق، آماده رسیدگی به امور آموزشی و پژوهشی دانشجویان باشد؛ در عین قاطعیت، کمتر سختگیری نشان دهد. بهره‌گیری از وسایل کمک آموزشی، روشهای آموزشی متنوع و بیان اهداف آموزشی می‌تواند سه خصیصه مهم تکنیکی یک استاد خوب باشد. در زمینه ویژگی‌های شخصی نیز لازم است استاد با حس نוע دوستی خود بتواند دانشجویان را در تمام مراحل یاری کند و به فهم مطالبی که به دانشجویان ارائه می‌دهد، اهمیت بدهد و با ظاهری

بررسی ادراک دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی از ویژگی‌های ... ♦ ۱۳۵

آراسته و مناسب، در محیط آموزشی با دانشجویان تعامل داشته باشد». عابدینی و همکاران (۱۳۸۹)، مهم‌ترین ویژگی‌های استاد خوب را به ترتیب: شیوایی بیان، خوشرویی و تسلط به موضوع تدریس دانسته‌اند. شهرکی (۱۳۸۹) در نتایج پژوهش خود چنین آورده است: «شیوه تدریس، مهم‌ترین معیار یک استاد خوب دانشگاهی می‌باشد و اهمیت جنبه‌های دیگر مورد بررسی، از جمله توانایی در ایجاد ارتباط و مشاوره، دانش پژوهی و شخصیت فردی بسته به نظر دانشجویان و اساتید در اولویت بعدی قرار دارند». گشمرد و همکاران (۱۳۹۰) ویژگی‌های استاد خوب را از نظر اساتید: تسلط در درس مورد تدریس، صداقت در گفتار و رفتار، ارائه مطالب جدید، داشتن برنامه‌ریزی منظم برای ارائه درس؛ و از نظر دانشجویان: تسلط استاد در درس مورد تدریس، صداقت در گفتار و رفتار، ارائه جذاب مطالب درسی و داشتن برنامه‌ریزی منظم برای ارائه درس، بیان کرده‌اند. مبشری و همکاران (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیده‌اند که تسلط استاد بر درس، دانش عمومی در رابطه با درس مورد تدریس، شیوایی بیان و رعایت موازین اخلاقی، از خصوصیات استاد خوب است. میرزامحمدی و همکاران (۱۳۹۲) عمده‌ترین شاخصهای فرهنگی - تربیتی برای اساتید را ایمان و اعتقاد به خداوند و برخورداری از خشوع و انعطاف درونی، حفظ کرامت انسانی دانشجویان، تعهد و روحیه وطن‌دوستی و ...؛ عمده‌ترین شاخصهای آموزشی را تزکیه در تدریس، پرورش نخبگان و متخصصان عالی‌رتبه، آموزش کارآفرینی به دانشجویان، تسلط علمی در موضوع مورد تدریس و ...؛ عمده‌ترین شاخصهای پژوهشی را اهتمام به جنبش نرم‌افزاری، کمک به تحقق و استمرار توسعه کشور، مدافع خلاقیت، ابتکار و نوآوری و ... و عمده‌ترین شاخصهای اجرایی - خدماتی را بصیرت سیاسی، تلاش برای ارتقای اعتبار دانشگاه در سطح ملی و بین‌المللی و مشارکت در فعالیتهای اجتماعی به منظور رشد و تعالی جامعه دانسته‌اند. شریف‌نیا و همکاران (۱۳۹۲) به این مهم در طی پژوهش خود دست یافته‌اند که توان علمی و تسلط در درس و همچنین خصوصیات شخصیتی اساتید، از مهم‌ترین ملاکهای استاد خوب از نظر اعضای هیئت علمی و دانشجویان است. درخشان و همکاران (۱۳۹۲) چنین عنوان کرده‌اند که «مهم‌ترین معیارهای استاد خوب؛ دانش پژوهی، مهارت ارتباطی، مهارت تدریس، مهارت ارزشیابی دانشجویان و ویژگی‌های ظاهری اساتید می‌باشد؛ در حیطه دانش پژوهی، تسلط استاد بر درس مورد تدریس؛ در حیطه مهارت ارتباطی، احترام متقابل استاد و دانشجو؛ در مهارت تدریس، شیوایی بیان؛ در حیطه ارزشیابی، استفاده از روشهای متنوع ارزشیابی و در شخصیت فردی، رعایت شئون و ارزشهای اسلامی مهم می‌باشد». واعظی و همکاران (۱۳۹۲)

به این نتیجه رسیده‌اند که از نظر دانشجویان، دانش و توانمندی علمی، مسئولیت‌پذیری، توانایی برقراری ارتباط با دانشجویان، حامی بودن نسبت به دانشجویان، قابلیت ایجاد علاقه و انگیزه، مهارت‌های تدریس و عدالت در رفتار، ویژگی‌های مهم برای یک استاد دانشگاه می‌باشند. اکبری و همکاران (۱۳۹۳) در نتیجه‌گیری مقاله خود آورده‌اند که «توانایی علمی استاد در تدریس، امتیازات بالاتری را دریافت کرده و عوامل صرفاً ظاهری یا غیر آموزشی، مثل رعایت مقررات و مواردی که به پوشش و ظاهر و نوع برخورد استاد مرتبط می‌باشد، در مرحله بعدی اهمیت قرار گرفته‌اند». سعیدی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود عنوان کرده‌اند که «ویژگی‌های یک استاد راهنمای خوب، شامل نشانگرهای رفتاری استاد راهنما، رابطه نظارتی استاد راهنما و دانشجو، رابطه تعاملی استاد راهنما و دانشجو، اخلاق حرفه‌ای استاد راهنما، ویژگی‌های رفتاری استاد راهنما و تخصص استاد راهنما است».

نوشی و همکاران (۲۰۲۲)، سیاستها و شیوه‌های ارزیابی، دقت در حضور دانشجویان، احترام به دانشجویان، مهربانی و دلسوزی، مشتاق و محرک بودن، روش تدریس خوب، وضوح گفتار و توضیح، خلاقیت، منابع تعلیمی مناسب، نظم و مدیریت درست کلاس، آگاهی از رشته تحصیلی، ارائه درس متناسب مدرک تحصیلی، حرفه‌ای‌گری، وقت‌شناسی، در دسترس بودن و ارتباط خوب با دانشجویان را از ویژگی‌های یک استاد مؤثر دانسته‌اند. کیث اسپینگل و همکاران (۲۰۰۳) اخلاق تدریس را در دانشگاه بررسی کرده و به موارد چالش‌زای ذیل در تعامل استاد و دانشجو پرداخته‌اند: «ارائه‌ها و تکالیف بحث برانگیز، روشهای آزمون و نمره‌دهی قابل بحث، تعامل مشکل‌ساز دانشجو و استاد، درگیری‌های دانشگاهی، مدیریت دانشجویان و رازداری». سیانسیلو^۱ (۲۰۰۷) در نتایج تحقیق خود عنوان می‌کند که از نظر دختران، استاد خوب باید دارای ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری مناسب باشد؛ در حالی که از دید پسران، یک استاد خوب باید دارای ویژگی‌های آموزشی و پژوهشی مناسب باشد. وارول^۳ (۲۰۰۷)، عمده‌ترین شایستگی حرفه‌ای اساتید را شایستگی‌های اداری، فردی، فنی، آموزشی، ارتباطی، اجتماعی دانسته است.

-
1. Keith – Spiegel And Others
 2. Ciancialow
 3. Varvel

ریچاردسون^۱ (۲۰۰۸) ویژگی‌های استاد خوب از دیدگاه دانشجویان را در چهار حیطه اخلاقی، آموزشی، پژوهشی و رفتاری بحث کرده است. پاولینا و همکاران^۲ (۲۰۱۱) به این نتایج رسیده‌اند که استاد خوب، مثالها و تمرینهای خوبی می‌دهد؛ در تدریس نشان می‌دهد که دانش خوبی از موضوع دارد؛ به سؤالات کارشناسانه پاسخ می‌دهد؛ محتوای دوره را به وضوح توضیح می‌دهد؛ اهداف دوره و وظایف دانشجو را به وضوح تعریف می‌کند؛ مهارت‌های ارتباطی خوبی داشته و فضای کاری دلپذیر را ایجاد می‌کند؛ تدریس او ساختار خوبی دارد و از زمان به طور منطقی استفاده می‌کند؛ سخنرانی‌هایش جالب و گیرا هستند؛ کیفیت تدریس خود را با استفاده از فناوری ارتقا می‌بخشد؛ با احترام با دانشجویان برخورد می‌کند؛ برای کار انگیزه دارد و آگاهانه به تعهدات خود عمل می‌کند؛ برای مشاوره در دسترس است؛ کلاسها را به طور منظم برگزار می‌کند؛ بینش درباره مسائل کلیدی ارائه می‌دهد و درک آن را امکان‌پذیر می‌کند؛ اهمیت موضوع و امکانات کاربردی را نشان می‌دهد؛ تعداد مطالب دوره با تعداد ساعات کلاس مطابقت دارد؛ ادبیات کلاس برای درک موضوع مفید است؛ اهداف دوره و وظایف دانشجو به وضوح مشخص شده است؛ کلاسها به درستی با تمرینها و سمینارها دنبال می‌شوند؛ مشارکت فعال دانشجویان مهم و مورد تشویق است. لانوت^۳ (۲۰۱۲) در پژوهشی، مدرسان تأثیرگذار را با صفاتی همچون: «همراه، صبور، مشوق، دارای قوه تطابق، پرشور و پرحرارت، اهل تعامل، جدی و دلسوز» معرفی کرده است. لانبرگ و همکاران^۴ (۲۰۱۴) به این جمع‌بندی رسیده‌اند که استادان تربیت معلم باید از شایستگی‌های ذیل برخوردار باشند: عمومی و کلی، فناوری ارتباطات و اطلاعات، محتوایی، آموزشی، پژوهشی، سازمانی، ارتباطی، حرفه‌ای و فردی. راوفیلدر و همکاران^۵ (۲۰۱۶) در تحقیقی که با هدف درک شاگردان از معلمان خوب و بد انجام شده، به این نتیجه رسیده‌اند که دانش‌آموزان، ابعاد بین فردی، معلمان را بر توانایی‌های آموزشی آنان در تعاملات روزمره کلاس اولویت می‌دهند و معلم بد از نظر آنان، معلمی است که به این موضوع توجه ندارد و صرفاً به دنبال مباحث آموزشی است. کاسیانیک و همکاران^۶ (۲۰۱۷) مهم‌ترین ویژگی‌های حرفه‌ای یک معلم موفق دانشگاه فنی را آگاهی عمیق نسبت به موضوع درس، ارائه قابل

-
1. Richardson.
 2. Pavlina, Zorica & Pongrac
 3. Lanouette
 4. Lunenberg
 5. Raufelder
 6. Kasyanik

اطمینان، شور و شوق برای درس و توانایی کمک به دانش آموزان، اجتماعی بودن، اهل دوستی، انصاف، شوخ طبعی و حساسیت دانسته‌اند.

همان گونه که هویداست، تعداد پژوهش حول ویژگی‌های بد و منفی اساتید، در مقایسه با تعداد تحقیقات پیرامون اساتید خوب و اثربخش و خصوصیات مثبت ایشان، بسیار اندک و با اغماض، تنها یک مورد است. بر این اساس، این تحقیق در پی آن است که بر پایه مصاحبه، ویژگی‌های منفی اساتید را از میان تجارب و خاطرات ناخوشایند دوران تحصیل دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی، استحصال، احصا و تجمیع کند تا به گونه‌ای دیگر، الگوهای معیوب و رفتارهای نادرست را پیش چشم دغدغه‌مندان عرصه علم و شاگردپروری قرار دهد و ایشان را متوجه تأثیرات منفی و ناخوشایند برخی رفتارها بسازد.

ب) روش تحقیق

برای رسیدن به هدف پژوهش از روش کیفی از نوع پدیدارشناسی استفاده شده است. «پدیدارشناسی، برای استخراج عصاره تجربه انسانی، شیوه‌ای از تحقیقات با مختصات توصیفی و تفسیری را پیشنهاد می‌کند» (ایمان، ۱۳۹۱). روش توصیفی بیشتر در مطالعات روان‌شناختی به کار می‌رود و در آن صرفاً توصیف تجربه‌ها و روایتهای مد نظر است و روش تفسیری نیز به تحلیل تجربه‌های انسان در زمینه پدیده مد نظر می‌پردازد (بازرگان، ۱۳۹۸). بر این اساس، مطالعه حاضر با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی انجام شده است؛ زیرا در پژوهش حاضر صرفاً کشف و توصیف تجربه، ادراک و روایتهای دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی از ویژگی‌های منفی اساتید خویش مد نظر بوده و در آن، تحلیلها و استنباطهای شخصی پژوهشگر جایی نداشته است.

افراد مورد مطالعه، دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد و دکتری در دهه ۹۰ بودند که گروه ۲۰ نفره مشارکت کنندگان از میان ایشان بر اساس روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به منظور محرمانه ماندن اطلاعات شرکت کنندگان، به هر کدام از ایشان یک کد و شماره اختصاص یافت. در خصوص حجم نمونه نیز بر اساس اصل اشباع اقدام شد.

جمع‌آوری داده‌ها با مصاحبه نیمه ساختار یافته‌ای بود که در طی مشورت و همفکری با متخصصان روشی و موضوعی، پروتکل و پرسشهای آن تدوین و تعیین شد و پس از اجرای نمونه مقدماتی، نسخه نهایی آماده شد. مدت زمان مصاحبه‌ها از ۱۵ تا ۲۵ دقیقه متغیر بود و جمع‌آوری مصاحبه‌ها یک ماه به طول انجامید. برای تحلیل داده‌ها، از راهبرد هفت مرحله‌ای کلایزی استفاده شد که گامهای آن به شرح ذیل است:

بررسی ادراک دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی از ویژگی‌های ... ۱۳۹

۱. مطالعه مکرر و چندین باره از روایتها و تجارب حاصل آمده، با نظر به ضرورت آشنایی و انس با داده‌ها، انجام شد.
 ۲. با هدف استخراج جملات مهم و کلیدی، روایتها و تجربیات بازخوانی شد.
 ۳. در این مرحله، تمرکز بر درک بهتر جملات مهم و معانی آنها بود.
 ۴. مراحل پیشین برای تمامی مصاحبه‌ها تکرار شد تا معانی فرموله شده و مرتبط با هم در قالب خوشه‌های مضامین شکل بگیرد و تجمیع شود. در این مرحله تلاش بر این بود تا با جابه‌جایی و تنظیم مکرر، همپوشانی و عدم همخوانی‌ها در درون و بین مضامین اصلاح شود.
 ۵. نتایج در قالب توصیفی جامع از موضوع، مطالعه تلفیق شد.
 ۶. در این گام، تلاش شد تا بر اساس روایتها و تجربه‌ها، پدیده مورد مطالعه به صورت بیابیه‌ای روشن و صریح، شرح و توصیف شود.
 ۷. از آنجا که اعتبارپذیری داده‌ها در این گونه از تحقیقات بر اساس دو شیوه کنترل اعضا و خودبازبینی پژوهشگر است (عباس‌زاده، ۱۳۹۱)؛ در پژوهش حاضر، پژوهشگر در چندین نوبت به بازبینی نتایج پرداخت و اصلاحات لازم را در آن اعمال کرد.
- برای محاسبه پایایی نیز از میان کل مصاحبه‌ها، سه نمونه به صورت تصادفی انتخاب و هر کدام از آنها دو بار در فاصله زمانی ۱۴ روزه کدگذاری شد. پس از این مرحله، به بررسی میزان توافق بر اساس فرمول ذیل پرداخته شد. با توجه به نتیجه به دست آمده که بیشتر از ۶۰ درصد می‌باشد، می‌توان گفت که پایایی پژوهش مناسب است.

$$\%100 = \frac{2 \times \text{تعداد توافقات}}{\text{تعداد کل کدها}} = \text{درصد پایایی}$$

جدول ۱: نتایج بررسی پایایی در دو بازه زمانی

شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	پایایی آزمون (درصد)
۹	۱۸	۷	۷۷
۱۶	۱۱	۵	۹۰
۷	۱۵	۵	۶۶
کل	۴۴	۱۷	۷۷

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

۵	۲۰-۳۰	سن
۱۱	۳۱-۴۰	
۴	۴۱-۵۰	
۱۲	کارشناسی ارشد	تحصیلات
۸	دکتری	

اساتیدی که برای ایشان ویژگی‌های منفی برشمرده شد، از رشته‌های ادبیات فارسی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، شیمی، فیزیک، علوم تربیتی، روان‌شناسی، مشاوره، فلسفه، ارتباطات، کتابداری، مدیریت، زبان و ادبیات عرب، حقوق و جامعه‌شناسی بودند.

ج) یافته‌های پژوهش

پس از تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از تجارب دانش‌آموختگان، در مجموع سه مضمون اصلی برای ویژگی‌های منفی شناسایی شد که هر کدام، مضامین فرعی دیگری را نیز در بر می‌گیرند که در ادامه به آنها پرداخته شده است.

۱. عیوب اخلاقی و ضعفهای شخصیتی

اولین مضمونی که احصا شد، عیوب اخلاقی و ضعفهای شخصیتی اساتید است. این مضمون اصلی، ۱۶ مضمون فرعی را در بر گرفته که هر یک اشاره‌ای به مشکلات اخلاقی و شخصیتی اساتید دارد؛ این مضامین فرعی در ادامه با کدها مربوطه آورده شده است.

یک) بی‌نظمی

شماره ۳: یکی از اساتید خانم در ایام کرونا، گاهی تا نیم ساعت ما را سر کلاس منتظر می‌گذاشت و بعد پیام می‌داد که کلاس کنسل است.

شماره ۱۴: استاد مدیریت ما، با تأخیر خیلی زیادی سر کلاس حاضر می‌شد. گاهی هم که غیبت می‌کرد، اطلاع نمی‌داد و ما بیش از نیم ساعت سر کلاس منتظر می‌ماندیم و وقتی می‌دیدیم خبری از آمدن ایشان نیست، کلاس را ترک می‌کردیم. جالب اینجاست که روز یکشنبه فقط همین یک درس را هم داشتیم و استاد هم این مسئله را می‌دانست و با بی‌نظمی‌ها و غیبت‌هایش به شدت ما را کلافه و عصبی می‌کرد.

شماره ۱۹: یکی از اساتید گروه ما در برگزاری کلاس و حتی برگزاری آزمون دلخواهانه رفتار می‌کرد. زمان کرونا، برخی کلاسها را در سامانه تا ۱۲ شب طول می‌داد و با کنسل

کردن زمان ثبت‌شده در سامانه برای امتحانات، اغلب ساعت ۱۰ شب به بعد، به برگزاری آزمون اقدام می‌کرد. دلیل هم این بود که ایشان در خارج از دانشگاه به کسب و کار دیگری اشتغال داشتند و وظایف دانشگاهی برای ایشان در اولویت دوم و حتی سوم بود.

دو) تندخویی

شماره ۳: استاد روان‌شناسی مرضی ما در دوره ارشد بسیار تند مزاج بود و بدون توجه به غرور و شرایط دانشجوی، با تندى با ایشان برخورد می‌کرد.

شماره ۲: در دوره ارشد، استادی داشتیم که بسیار جذبه داشت و بد اخلاق بود؛ ترم دوم، ایشان شروع کرد اسلایدهای ترم قبل را توضیح دادن، تا ۲۰ دقیقه هیچ کس جرأت نمی‌کرد به استاد بگوید که این مباحث را قبلاً درس داده! تا اینکه یکی از پسرها به خود جرأت داد و برگشت گفت استاد این مباحث را ترم قبل گفتید و تکراری هستند؛ استاد بسیار عصبی شد و... مدتی گذشت و دیدیم ایشان با نشریه دانشجویی دانشگاه، مصاحبه و ماجرای کلاس ما را عنوان کرده‌اند و در ضمن مصاحبه، تأکید داشته‌اند که حتی دانشجویان ارشد نیز مشکل دارند و متوجه درس و کلاس نیستند.

سه) قضاوت غلط

شماره ۱۷: در دوره کارشناسی ما، ارزشیابی اساتید به شکل دستی بود. سر کلاس استاد آموزش و پرورش، من تمام گزینه‌ها را برای استاد، خوب زدم؛ اما نحوه جاگیری برگه‌ها تا رسیدن به دست استاد، به نحوی شد که استاد گمان برده بود که من تمام گزینه‌ها را برای او بد زده‌ام! مدت‌ها گذشت و به دفتر ایشان مراجعه کردم و از استاد خواستم تا در موضوعی به من مشورت بدهند. استاد بسیار سرد با من برخورد کرد و گفت چطور از استادی که از او متنفری! درخواست راهنمایی داری؟! وقت ندارم! با ناراحتی از اتاق استاد بیرون آمدم و پی‌جوی این موضوع شدم؛ تا اینکه یکی از بچه‌ها، عنوان کرد که استاد از ارزشیابی که تو کرده‌ای ناراحت است!

شماره ۱۴: در دوره کرونا امتحانات ما مجازی بود. استاد بدون هیچ قرینه و دلیلی در امتحان تشریحی به من تهمت تقلب زد و به خاطر قضاوت غلطی که داشت، سه نمره از نمره امتحان من کم کرد و اعتراضات من هم به جایی نرسید.

چهار) خود تحقیری

شماره ۴: استاد فیزیک دوره لیسانس ما از ترم اولی که با او درس داشتیم، دائم به تحقیر فرهنگ ایرانی می‌پرداخت و فرهنگ غربی را بالا می‌برد. شماره ۷: دوره ارشد استادی داشتیم که به قول بچه‌ها همیشه روی موج منفی بود؛ دائم به بهانه‌های مختلف عنوان می‌کرد که ما هیچی نمی‌شویم، ما عقب افتاده‌ایم، ما جهان سومی هستیم و

پنج) نگاه مادی و پول پرستی

شماره ۱۸: یکی از اساتید ما که سابقه و تجربه مشاوره داشت، هیچ وقت پاسخگوی سؤالها و مشکلات ما نبود. حتی حاضر نمی‌شد در مرکز مشاوره دانشگاه کار کند؛ در جواب درخواست ما برای مشاوره، کارت ویزیت خود را به ما می‌داد و می‌خواست که به مرکز مشاوره‌اش مراجعه کنیم.

شش) سوء استفاده مالی از دانشجوی

شماره ۳: استاد دوره کارشناسی ارشد که با او پایان‌نامه داشتم، برای راهنمایی پایان‌نامه در جلسه اول من را مجبور کرد که به کلینیک بروم و حق ویزیت بدهم.

هفت) عدم رازداری

شماره ۱۸: یک بار پیش یکی از اساتید از مشکل شخصی خودم گفتم؛ خیلی جالب و غم‌انگیز بود که رازی که من آن را فقط به استاد سپرده بودم، کمتر از یک ماه بعد از سوی یکی از کارمندان دانشگاه با جزییات کامل به من بازگشت و گفته شد.

هشت) کینه‌ورزی و انتقام‌جویی

شماره ۹: یکی از اساتید ما با دانشجویها سر مباحث سیاسی بسیار لجبازی می‌کرد و از هر کسی که همفکرش نبود و با او بحث می‌کرد، سر امتحان و با نمره انتقام می‌گرفت. شماره ۱۵: با یکی از اساتید بر سر موضوع قومیتی بسیار مؤذبانه بحث کردم. از آن روز به بعد رابطه استاد با من بد شد و دائم به دنبال فرصت بود تا من را ضایع کند... این ماجرا به کلاس و بحث ختم نشد و با دیدن نمره‌ام، فهمیدم که استاد همچنان از من دلگیر است!

نُه) لکننت زبان

شماره ۷: یکی از اساتید ما لکننت زبان داشت وقتی استرس می‌گرفت یا با بچه‌ها بحث می‌کرد، لکننتش شدت پیدا می‌کرد و مدیریت کلاس از دستش خارج می‌شد.

بررسی ادراک دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی از ویژگی‌های ... ♦ ۱۴۳

یازده) غرور و تبختر

شماره ۱۹: در دوره کارشناسی استادی داشتم که غرور زیادی داشت. با لباس و ماشین و لفظ قلم حرف زدن و دوری از بچه‌ها، می‌خواست ثابت کند که با بقیه متفاوت است و دیگران در حد او نیستند. ایشان چند باری سر کلاس هم عنوان کرده بود که من را برای فلان دانشگاه خواستند و نرفتم، چون شرایطش را نداشتم؛ فرصت که پیش بیاید یک لحظه هم تردید نمی‌کنم.

دوازده) برخورد هیجانی و منفعلانه

شماره ۷: یکی از اساتید دوره کارشناسی ارشد ما از دو رشته مختلف مدرک دکترا داشت و در المپاد هم مقام آورده بود؛ ولی کافی بود از او سؤال پرسیم! احساس می‌کرد می‌خواهیم او را دست بیندازیم. در این شرایط، غالباً ماژیک را پرت می‌کرد و می‌گفت شما لیاقت من را ندارید! من اشتباه کردم که اینجا ماندم! با این حقوق به من در تورقوزآباد هم خانه نمی‌دهند و ...

سیزده) لجاجت

شماره ۱۴: لجاجت و رقابت در دانشگاه ما بین اساتید زیاد بود و ما دانشجویها کامل می‌فهمیدیم که کدام استاد با دیگری مشکل دارد. غالباً دانشجویهایی که به مراودات آگاه بودند به مشکل بر نمی‌خوردند، اما اگر دانشجویی متوجه روابط اساتید نمی‌شد، با مشکل مواجه می‌شد؛ این اتفاق غالباً برای بچه‌هایی پیش می‌آمد که خوابگاهی نبودند و فقط برای کلاسها در دانشگاه حاضر می‌شدند.

چهارده) تمسخر و تحقیر دانشجویان

شماره ۱۵: یکی از اساتید ما برای خندانیدن بچه‌های کلاس، یک نفر را سوژه می‌کرد و مورد تمسخر قرار می‌داد؛ مثلاً یک روز به قیافه یکی، روز دیگر به حرف زدن و نوع و رنگ لباس دیگری گیر می‌داد و... اوایل این رفتار استاد باعث خنده بچه‌ها می‌شد، اما رفته رفته وقتی این رفتارها تکرار شد و غالب دانشجویها در طول ترمهای مختلف، از این مسئله جان سالم به در نبردند؛ رفتار ایشان آزاردهنده و خسته‌کننده شد.

شماره ۵: دوره کارشناسی استادی درشت‌هیکل داشتیم که صدای کلفتی هم داشت! سر کلاس یک بار متوجه منظور استاد نشدم و درخواست تکرار مطلب را کردم؛ استاد در پاسخ به من، با حالت تحقیرآمیزی گفت: با این همه چادر چاقچوری که به خودت پیچیده‌ای معلوم است که نمی‌شنوی و کر می‌شوی.

شماره ۷: استادی داشتیم که بین دانشجویها به تناردیه معروف بود و دانشجویها را خیلی اذیت می کرد؛ کاری به زرنگی و تنبلی و خوب و بد دانشجو نداشت، فقط علاقه مند به تحقیر بچه ها بود.

شماره ۱۶: در یکی از دانشگاههای دولتی مراکز استان، دوره کارشناسی، مدرک فقه و حقوق گرفتم. ارشد را به دانشگاه تهران رفتم... همان جلسه اول سؤالی پرسیدم و استاد جوری با من برخورد کرد و به تحقیر من پرداخت که دیگر تا پایان دوره ارشد به خودم اجازه ندادم از هیچ استادی سؤال بپرسم و به خاطر این رفتار، به شدت اعتماد به نفس من پایین آمد.

پانزده) عدم خودداری اخلاقی

شماره ۵: سال ۹۶ مشکل خانوادگی بزرگ داشتم. به پیشنهاد یکی از همکلاسی ها به یکی از اساتید مراجعه کردم تا شاید با راهنمایی شان بتوانم مشکلم را حل کنم. اما بعد از سه جلسه مشاوره، با پیشنهاد عجیب ایشان مواجه شدم.

شماره ۷: یکی از بدترین خاطرات من در دوره کارشناسی مربوط به اردوهای زمین شناسی است. برخی از اساتید در این اردوها، شأن و جایگاه خود را فراموش می کردند و روابط نادرستی بین ایشان با دانشجویها شکل می گرفت.

شانزده) توهین به مقدسات

شماره ۵: استادی داشتیم که بسیار به مقدسات توهین و با لهجه خاص خود مذهبی ها را مسخره می کرد و این برای ما خیلی آزار دهنده بود.

شماره ۷: یکی از اساتید دوره کارشناسی ما اعتقادات بچه ها را به مسخره می گرفت؛ خاطرم هست یک بار بر سر دحوالارض با یکی از دانشجویها بحث تنیدی کرد و او را به خاطر داشتن این اعتقادات، عقب افتاده خطاب کرد.

۲. نقایص آموزشی و کلاس داری

این مضمون اصلی، ناظر به ضعفهای مهارتی، آموزشی و علمی اساتید است؛ که در نهایت تأثیر خود را بر دانشجویان می گذارد و منجر به ضعف علمی ایشان می شود. این مضمون اصلی نیز ۱۶ مضمون فرعی را در بر گرفته که در ادامه بدانها پرداخته می شود.

یک) ضعف علمی

شماره ۱: استاد حقوق بین‌الملل به شدت از نظر علمی ضعیف بود، اما از ما انتظار داشت علامه دهر باشیم. به جرأت می‌گویم استاد خودش درس و مباحث را درست نفهمیده و ناتوان از زدن مثال و تشریح مطالب بود.

دو) تدریس ضعیف

شماره ۱۶: یکی از اساتید ما کتابی که خودش تألیف کرده بود را برابر چشمانش قرار می‌داد و از روی آن می‌خواند، بدون هیچ توضیح و تفسیر اضافه‌ای. اگر گاهی حواسمان هم به طور طبیعی پرت می‌شد و ایشان متوجه می‌شدند از ما می‌خواستند که بگوییم چه بندی را روخوانی می‌کرده و اگر دقیق پاسخ نمی‌دادیم عصبی می‌شد و برخورد زنده‌ای می‌کرد. شماره ۸: استاد فیزیک ما فقط مطالب را از روی متن می‌خواند و از مباحث بدون هیچ توضیحی می‌گذشت و بدون اغراق نزدیک به یک فصل را در هر جلسه تمام می‌کرد.

سه) عدم تدریس مباحث درسی

شماره ۲۰: دو استاد شیمی و ادبیات من در دوره کارشناسی، از جمله بدترین اساتید بودند. آنها اصلاً تایم برای تدریس نمی‌گذاشتند و بیشتر به مسائل حاشیه‌ای می‌پرداختند. عملاً هیچ درسی نمی‌دادند و در نهایت خودمان آخر ترم باید کتاب را می‌خواندیم و برای امتحان آماده می‌شدیم. البته درس ادبیات را راحت تر پاس کردیم؛ چون قابل حفظ کردن بود و فقط یک درس با آن استاد داشتیم. اما شیمی اصلاً قابل حفظ و فهم نبود و دو بار که با استاد شیمی آقای ... درس داشتیم، واقعاً چیزی یاد نگرفتیم و مطالب را در حد قبولی حفظ کردیم و ارائه دادیم و از یاد هم پردیم. با یکی دیگر از اساتید هم درس آزمایشگاه را داشتیم، ایشان به جای اینکه خودشان بمانند و به ما نحوه ترکیب و شناسایی مواد را بگویند، کلاس و کار را به کارآموز بی‌تجربه‌ای می‌سپردند که نمی‌توانست به درستی ما را کمک و راهنمایی کند و خود استاد، کلاس را رها می‌کردند و می‌رفتند.

شماره ۳: دوره کارشناسی استادی داشتیم که تدریس و کار کلاس را به دانشجویها می‌سپرد و خود به هیچ عنوان در این مسئله ورود نمی‌کرد. چون استاد دروس تخصصی ما بودند و برخی از دروس فقط با ایشان ارائه می‌شد، ما مجبور بودیم در هر صورت درس را با این استاد بگیریم.

چهار) معرفی منابع ضعیف

شماره ۴: استاد درس ایمونولوژی ارشد، تدریس خوبی نداشتند؛ ایشان کتاب تألیف شده توسط دانشجوی خود را به عنوان منبع معرفی کرده بودند که این کتاب ترجمه ضعیف و نامفهومی هم داشت و در یک کلمه می توان گفت که مطالب را سرهم بندی کرده بود و با تدریس ضعیف استاد، ما از آن درسی تقریباً هیچ چیزی یاد نگرفتیم.

پنج) پیچیده کردن مباحث

شماره ۱۴: استاد درس فلسفه، به جای اینکه مباحث را تشریح و روشن و ساده کند تا ما بفهمیم، خود بیشتر بر پیچیدگی مباحث می افزود و ما را گیج می کرد و بهم می ریخت. نه من، بلکه با قاطعیت می گویم که تمام بچه های کلاس، هیچ چیز از این درس یاد نگرفتیم. شماره ۱۹: استاد درس ارتباطات، مباحث ثقیل و سنگین را با الفاظ دشوار ادبی و انگلیسی به هم می آمیخت و از ما انتظار داشت در پس این بیان سخت و مباحث دشوار و تشریح نشده، مطالب را درک کنیم.

شش) ناتوانی در مدیریت کلاس

شماره ۹: در درس حقوق اداری، استاد پیری داشتیم که نمی توانست کلاس را مدیریت کند و هر بار با ایشان درس داشتیم عزا می گرفتیم و با اکراه سر کلاس حاضر می شدیم.

هفت) سختگیری در حضور و غیاب

شماره ۹: استاد عربی سختگیری داشتیم که بعد از خودش کسی را به کلاس راه نمی داد؛ یک بار یکی از دانشجویها همزمان با استاد به در کلاس رسید و ایستاد و احترام کرد تا استاد اول وارد کلاس شود، استاد به محض ورود در را بست و دانشجو را به کلاس راه نداد و عنوان کرد که گفته بودم بعد از خودم کسی را راه نمی دهم!

شماره ۱: استاد حقوق عمومی ما روی حضور و غیاب بسیار سختگیر بود. سر کلاس ایشان، دو جلسه از حق غیبت استفاده کردم و آخر ترم با تمام دلایلی که برای ایشان آوردم، از نمره امتحانی ام ۲ نمره کم کردند.

شماره ۶: دوره ارشد درس جامعه شناسی فرهنگ، استاد برای تأخیر و غیبت، نمره کم می کرد و هیچ عذر و بهانه و دلیلی را هم نمی پذیرفت.

هشت) برگزاری کلاس یکنواخت

شماره ۹: بدترین استادها کسانی بودند که کلاس یکنواخت و خواب‌آوری داشتند. مثلاً استاد مدیریت ما، متن کتاب را جلو خود باز می‌کرد و تمام مدت کلاس از روی آن می‌خواند، بدون اینکه کلاس را تعاملی برگزار کند، مثال بزند و یا حتی راه برود!

شماره ۴: استاد ژنتیک ما به راحتی بالای ۷۵ سال سن داشت. ایشان از بس از روی کتاب قدیمی خودش درس داده بود، مطالب را کلمه به کلمه حفظ بود و از ما می‌خواست کتاب را باز کنیم و ایشان از حفظ مطالب را برای ما می‌خواند. این کلاس خسته‌کننده‌ترین و بدترین کلاس دوران تحصیل من بود.

نه) سختگیری در امتحان

شماره ۱۵: یکی از استادهاى ما در دوره کارشناسی، سؤالات تحلیلی به ما می‌داد و معیاری قطعی و منطقی برای پاسخهای درست نداشت؛ پاسخ درست آن بود که خودش تشخیص می‌داد و دلش می‌خواست و همین باعث کم شدن نمره ما می‌شد.

شماره ۱: استاد ادبیات عمومی ما به سختگیری معروف بود؛ خودش هم به این ویژگی افتخار می‌کرد و می‌گفت باید در هر ترم از هر کلاس من چند نفر نمره قبولی نگیرند؛ برای من هم مثل خیلی‌های دیگر این اتفاق افتاد و نتوانستم نمره قبولی بگیرم؛ در حالی که همین درس را با استاد دیگری با نمره ۲۰ گذراندم.

ده) بی‌عدالتی در نمره‌دهی

شماره ۱۵: یکی از بدترین خاطرات من مربوط به اساتید است که در بحث نمره سختگیری زیادی داشتند. به عنوان مثال، استاد تاریخ آموزش و پرورش کارشناسی، پاسخهای کامل و به عبارتی کپی شده کتاب را از ما می‌خواست و به پاسخهای نزدیک ما نمره نمی‌داد.

شماره ۱۴: استاد روان‌شناسی عمومی، دانشجویان را دسته‌بندی می‌کرد! معمولاً هم چهار گروه برای نمره‌دهی داشت؛ البته این چیزی که ما درک کرده بودیم، چون هیچ وقت پسرها در طول ترمهای مختلف نمره‌شان از ۱۵ تجاوز نمی‌کرد و پایین‌تر هم نمی‌آمد.

یازده) عدم پاسخگویی به سؤالات

شماره ۵: استاد درس روان‌شناسی سلامت به هیچ سؤال و درخواستی پاسخ نمی‌داد و عنوان می‌کرد که من پاسخ راحت‌الحلقوم به شما نمی‌دهم، بروید مطالعه کنید و پاسخ را خودتان بیابید. همیشه پشت سر ایشان بچه‌ها می‌گفتند که پس فلسفه وجود تو و حقوقی که می‌گیری چیست!؟

شماره ۹: استاد حقوق تجارت، وسط بحث به هیچ کس اجازه طرح سؤال نمی‌داد و هر دانشجویی که این اصل را رعایت نمی‌کرد با پرخاش و توهین استاد روبه‌رو می‌شد. بعد از بحث هم ما یا سؤال را از یاد برده بودیم و یا زمان کلاس تمام شده بود و استاد قصد رفتن داشت.

دوازده) موضع‌گیری در برابر نقد و اشکال دانشجویان

شماره ۶: استاد جامعه‌شناسی داشتیم که سطح سواد پایینی داشت؛ خیلی پیش می‌آمد که مطالبی را اشتباه می‌گفت، اما جنبه پذیرش اشتباه و نقد را نداشت و سریع برآشفته می‌شد. شماره ۱۳: یکی از اساتید ما وقتی مورد نقد قرار می‌گرفت، تا زمان فارغ‌التحصیلی دانشجو را رها نمی‌کرد و از نقدی که شاید صحیح هم بود، نمی‌گذشت و نقد دانشجو را دلیل بی‌ادبی و گستاخی او می‌دانست که نباید بی‌پاسخ می‌ماند. به عبارتی تا دانشجو را به غلط کردن نمی‌انداخت، دست بر نمی‌داشت.

سیزده) عدم تسلط به منابع جدید

شماره ۹: استاد درس حقوق اداری ما، منابع ده سال پیش را درس می‌داد؛ در حالی که برخی از قوانین و رویه‌ها تغییر کرده بود و ما بعدها متوجه این مسئله شدیم.

چهارده) ناتوانی در پاسخگویی به سؤالات

شماره ۱۲: استاد درس اختلالات رفتاری، غالباً در برابر سؤالات بچه‌ها کم می‌آورد و از پاسخ در می‌ماند.

پانزده) تبعیض قائل شدن بین دانشجویان

شماره ۱۷: در کلاس استاد ... دو دانشجو محور بودند و آنها به کلاس جهت می‌دادند و استاد به شدت بین این دو، با بقیه فرق می‌گذاشت.

شماره ۵: سال ۹۵ دانشجوی فوق لیسانس روان‌شناسی تربیتی بودم. با یکی از اساتید رابطه خوبی داشتم؛ چون یک بار در کلاس در برابر انتقاد دانشجویها به شدت از او دفاع کردم! بعد از امتحان پایانی، استاد به من گفت به کلینیک من بیا تا برگه امتحان را بدهم جواب سؤالها را درست کن و نمره خوب بگیر. اما من نپذیرفتم و ترجیح دادم نمره خودم که ۱۶ بود در سامانه برایم ثبت شود.

شانزده) عدم درک شرایط دانشجویان

شماره ۶: دوره ارشد مدیر گروه ما اصرار داشت که در طول هفته برای دانشجویها درس بگذارند؛ این در حالی بود که خیلی از بچه‌ها شاغل یا متأهل بودند و گاهی برای دو واحد به دانشگاه می‌آمدند و برمی‌گشتند و از این بابت همه ما به شدت تحت فشار بودیم و اذیت می‌شدیم.

شماره ۱۱: در دوره کارشناسی، فرزندم زودتر از موعد به دنیا آمد؛ با وجود اینکه تازه زایمان کرده بودم و فرزندم همچنان در NICU بستری بود به سراغ تک‌تک استادهاى گروه رفتم و با مدارک پزشکی، موافقت آنها را برای چند جلسه غیبت گرفتم؛ غیر از یکی از اساتید که عنوان می‌کرد حتی اگر وزیر هم نامه بدهد، من تو را حذف می‌کنم و همین کار را هم کرد و سه درس من با ایشان حذف شد.

شماره ۸: اول ترم، سه جلسه کلاس رو به علت مشکل سامانه نتوانستم در کلاس دکتر... شرکت کنم؛ جلسه چهارم برای استاد توضیح دادم و ایشان گفتند که مشکلی ندارد! اما وقتی ترم تمام شد، با ثبت غیبتها، اجازه حضور در جلسه امتحان را به من ندادند.

۳. ایرادات و قصورات پژوهشی

یکی از وظایف اصلی اساتید، انجام امور پژوهش شخصی و هدایت و سرپرستی تحقیقات دانشجویان است. در این زمینه نیز دانشجویان و دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی، ضعفها و کاستی‌هایی را از اساتید خویش دیده و تجربه کرده بودند که مجموع آنها در قالب مضمون ایرادات و قصورات پژوهشی اساتید گردآوری شد. در همین راستا، به صورت جزئی‌تر به ۱۳ مضمون فرعی و کدهای مرتبط با آن در ادامه پرداخته می‌شود.

یک) عدم کمک در پایان‌نامه و رساله

شماره ۱۰: استاد مشاور کارشناسی ارشد من از اساتید بنام و برجسته بود که من خیلی از ایشان انتظار داشتم، اما استاد در حد یک بار مطالعه پایان‌نامه هم به خودش زحمت نداد و خیلی راحت سر جلسه دفاع گفت که من نرسیدم مطالعه کنم.

شماره ۱: استاد راهنمای من در دانشکده به بی‌خیالی و بی‌نظمی معروف بود. نه درست کلاس تشکیل می‌داد، نه در پایان‌نامه کمک می‌کرد. روزی که از تصمیم گروه مطلع شدم که ایشان راهنمای پایان‌نامه من شده، فهمیدم که تا ته راه را باید به تنهایی طی کنم... با همه تلاشی که کردم، به نمره دلخواه نرسیدم. سر جلسه دفاع هم من محکوم به ضعف و کم‌کاری شدم، نه استادی که همه می‌دانستند کمکی به دانشجو نمی‌کند. این را هم بگویم که حتی

برای جلسه دفاع، یک بار کامل پایان نامه من نخوانده بود و زمان دفاع را هم فراموش کرده بود و ما مجبور شدیم بیش از نیم ساعت به انتظار ایشان بنشینیم تا خود را به جلسه برسانند.

دو) بهره‌کشی پژوهشی از دانشجو

شماره ۹: در دانشگاهی که من دکتری خواندم، تقریباً تمام اساتید گروه، بخشی اعظمی از نمره هر درس را منوط به نوشتن مقاله می‌کردند؛ خودشان هم هیچ کمکی برای انتخاب موضوع و... نمی‌کردند و وقتی مقاله آماده می‌شد خودشان با عنوان نویسنده مسئول مقاله را برای مجلات ارسال می‌کردند.

شماره ۱۷: دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه علامه سال ۱۳۸۸، یکی از اساتید یک جلد کتاب انگلیسی را به کلاس آورد و تعداد صفحات را بر تعداد دانشجویها تقسیم و نمره پایانی را منوط به ترجمه صفحات درخواستی کرد؛ و سال بعد دیدیم که همین کتاب با نام استاد به چاپ رسیده است.

شماره ۵: در دوره کارشناسی، یک بار به درخواست استاد... بیش از ۱۰۰۰ صفحه از روی کتابی برایش دست‌نویس کردم و تحویل ایشان دادم و هیچ امتیاز و نمره‌ای هم برایم در نظر گرفته نشد. یک بار هم در دوره ارشد، یکی از اساتیدی که از ایشان مشاوره می‌گرفتم، شروع کرد به سپردن کارهای شخصی خود به من، مثل ترجمه مقالات و تایپهای بالای ۱۰۰ صفحه؛ من هم توان نه گفتن نداشتم و با مشقت اوامر استاد را اطاعت می‌کردم.

سه) عدم همخوانی توان پژوهشی اساتید با واقعیت

شماره ۱۸: دوره دکتری که کمی از پژوهش و مقالات سررشته پیدا کرده بودیم، می‌دیدیم که یک استاد در یک سال بیش از ۴۰ مقاله چاپ می‌کند و این سؤال پیش می‌آید که با وجود وظایف آموزشی و تدریس و سختی کار پژوهشی و بعضاً کار اجرایی در دانشگاه، اساتید چگونه می‌توانند این حجم و حتی بیش از این تعداد مقاله را در طول یکسال بنویسند، مدیریت کنند و به چاپ برسانند! این مسئله برای ما که در پذیرش و چاپ یک مقاله از ماحصل بیش از دو سال کار بر روی رساله، ناتوان بودیم موضوع خوشایند و طبیعی نبود.

چهار) عدم تسلط بر موضوع و پایان‌نامه دانشجو

شماره ۳: استاد مشاور دوره کارشناسی ارشد من، تا پایان کار و دفاع، همچنان نسبت به موضوع، فرضیات و روش پژوهش من، شناخت درست و همه‌جانبه‌ای نداشت و به همین خاطر، به جای هدایت درست، گره در کارم می‌انداخت و گمراه می‌کرد.

پنج) عدم تسلط بر روشهای تحقیق

شماره ۱۷: استاد راهنما خیلی راحت به من گفت که من روش کیفی را بلد نیستم و برو کتاب بخوان و یک روش مناسب و متناسب با موضوعی که داری انتخاب کن و تأکید هم کرد که من در بحث مبانی نظری و فصل‌بندی و... می‌توانم کمک کنم و اگر از نظر روشی به مشکل خوردی به عهده خودت است.

شش) عدم ثبات نظر در طی پژوهش

شماره ۱۳: من فوق لیسانس داشتم و الان درگیر پایان‌نامه برای گرفتن دومین مدرک خودم هستم. چیزی که همین ماه پیش من را خیلی اذیت کرد و بهم ریخت، این بود که بعد از اتمام فصل ۴ و ۵، استادم به یکباره به من گفت که تعداد نمونه کم است و باید اصلاح کنی و بر اساس حجم نمونه بیشتر، فصول را بنویسی! تعداد نمونه من، هم در پروپوزال قید و تأیید شده بود و هم در فصل سه آمده بود، اما بعد از اتمام کار، تازه استاد راهنما تغییر نظر داده بود و متوجه شده بود که ۶۷ نفر به عنوان نمونه، تعداد کمی است.

شماره ۱۷: خاطره بد من از استاد راهنمای دکتری که بسیار برایم مورد احترام بود؛ این است که سر جلسه پیش دفاع، تازه به این نتیجه رسید که الگوی ارائه‌شده من مشکل دارد و باید آن را تغییر بدهم. این در حالی بود که من تا دفاع اصلی فقط دو هفته وقت داشتم... در نهایت با کلی مشقت، زمان بیشتری از اساتید و دانشکده گرفتم و کار را اصلاح کردم.

هفت) آشنا نبودن با منابع به روز

شماره ۱۱: برای پایان‌نامه ارشدم، استاد راهنما نتوانست دو کتاب معتبر و به روز و مرتبط با موضوع، به من معرفی کند.

هشت) عدم خلاقیت

شماره ۱۲: در گروه ما مرسوم بود که سه موضوع برای پایان‌نامه بدهیم تا در نهایت یک موضوع به تصویب برسد؛ استاد من بدون دستکاری و اعمال نظر، ترجیح می‌داد که مقلد اعضای گروه باشد و آنها متغیرها را دستکاری کنند و تغییر دهند.

شماره ۴: یکی از بدترین ویژگی‌های اساتید ما این بود که خلاقیت نداشتند، نمی‌توانستند به ما ایده بدهند. فقط منتظر این بودند که ما به موضوعی برسیم و روی آن کار کنیم و آنها با اندکی دستکاری یا یک بار مطالعه کار تحقیقاتی، همه چیز را به اسم خود تمام کنند و مقاله و پروژه را با نام خود گره بزنند. این تجربه را هم در دوره کارشناسی ارشد و هم دکتری داشتم.

نه) عدم ارائه وقت به دانشجویان

شماره ۲: استاداها روی اتاق، زمان حضور در دانشگاه و اوقات راهنمایی دانشجو را می‌زدند؛ اما هیچ وقت در اتاق برای این مهم حضور نداشتند و ما باید در دانشکده می‌گشتم تا اول ببینیم که آیا استاد به دانشگاه آمده و اگر حضور دارد در کدام اتاق مشغول گپ و گفت است.

ده) وقت‌کشی و بی‌توجهی به زمان

شماره ۱۷: دو فصل رساله را برای استاد راهنما فرستادم و بعد از پیگیری‌های فراوان، بعد از چهار ماه، کامنت گذاشتند و به من برگرداندند. بر سر همین موضوع و این اخلاق خاص استاد، من سال هفتم دوره دکتری موفق به دفاع شدم، چون این مسئله را سر مقالات و فصول دیگر رساله هم با استاد داشتم.

یازده) عدم دقت نظر

شماره ۳: استاد راهنما و مشاور من، نه در جلسه تصویب پروپوزال و نه و در طول نگارش رساله، به اهداف و همین طور روش تحقیق من دقت نکرده بودند و در زمان دفاع داور به شدت با من برخورد کرد و تمام کار من را زیر سؤال برد. در حالی که این دو مهم یک بار در جلسه گروه و یک بار در جلسه دانشکده مورد بررسی قرار گرفته بودند و اساتید راهنما و مشاور هم ناظر کار من بودند و همه چیز به من برنمی‌گشت که اینقدر سر جلسه دفاع برابر خانواده‌ام خرد شوم.

دوازده) نظم آزاردهنده

شماره ۱۵: یکی از اساتید راهنمای من سر زمان، خیلی حساس و سختگیر بود؛ به طوری که اگر یک هفته از زمان برنامه‌ریزی شده دیرتر فصول را ارائه می‌دادم یا سر وقت با ایشان تماس نمی‌گرفتم و به دانشکده نمی‌رفتم، بسیار برآشفته می‌شد. بین بچه‌ها معروف بود که اگر دانشجویی تایم آزاد دارد و از طرف دیگر نیز برای دفاع عجله دارد، سراغ این استاد برود. نظم ایشان به ایجاد اضطراب در ما منتهی می‌شد و بیش از سود، ظاهراً ضرر داشت. این را هم بگویم که سر همین مسئله یک سری از دانشجوها ناچار به تغییر موضوع و تغییر استاد شدند.

سیزده) عدم هماهنگی با سایر اساتید

شماره ۶: دوره ارشد، راهنما و مشاور من همدیگر را قبول نداشتند و من بدون علم به این موضوع، از ایشان خواستم که راهنما و مشاور من باشند. این عدم درک و هماهنگی و لجاجت در طی نگارش و حتی دفاع پایان‌نامه خیلی من را آزار داد و کارم را به تعویق انداخت.

شماره ۱۲: در دوره کارشناسی ارشد، استاد راهنما و استاد داور من که همکار و از یک گروه بودند، به مشکل برخوردند. زمان دفاع من شد، استاد داور شروع کرد به تحقیر پژوهش من تا بدین واسطه استاد راهنمای مرا به انفعال بکشاند و تحقیر کند. برای همین در جلسه یک ساعته، بیش از ده بار عنوان کرد که کارت ضعیف است! ارزش ندارد! از نظر من غیر قابل دفاع است! و... در نهایت هم با این حرف که یک نمره برای حضور همسرت دادم، یک نمره برای حضور پدر و مادرت! اگر نه کار تو ارزش نداشت، جلسه را به پایان برد. باید این را هم بگویم که از همان پایان‌نامه بد و غیر قابل دفاع! من دو مقاله علمی پژوهشی به چاپ رساندم.

جدول ۳: مضامین اصلی و فرعی

مضامین اصلی	مضامین فرعی
عیوب اخلاقی و ضعف‌های شخصیتی	تندخویی
	بی‌نظمی
	عدم خودداری اخلاقی
	خودتحقیری
	توهین به مقدسات
	نگاه مادی و پول‌پرستی
	عدم رازداری
	کینه‌ورزی و انتقام‌جویی
	تمسخر و تحقیر دانشجویان
	غرور و تبختر
	برخورد منفعلانه و هیجانی
	لجاجت

قضاوت غلط	
سوء استفاده مالی از دانشجویان	
لکنت زبان	
ضعف علمی	نقایص آموزشی و کلاس‌داری
معرفی منابع ضعیف	
پیچیده کردن مباحث	
عدم تسلط به منابع جدید	
موضع‌گیری در برابر نقد و اشکال دانشجویان	
ناتوانی در پاسخگویی به سؤالات	
برگزاری کلاس یکنواخت	
سختگیری در حضور و غیاب	
عدم درک شرایط دانشجو	
تدریس ضعیف	
عدم تدریس مباحث درسی	
عدم پاسخگویی به سؤالات	
ناتوانی در مدیریت کلاس	
سختگیری در امتحان	
تبعیض قائل شدن بین دانشجویان	
بی‌عدالتی در نمره‌دهی	
عدم کمک در پایان‌نامه و رساله	ایرادات و قصورات پژوهشی
بهره‌کشی پژوهشی از دانشجو	
عدم همخوانی توان پژوهشی اساتید با واقعیت	
عدم خلاقیت	
عدم تسلط بر موضوع و پایان‌نامه دانشجو	
عدم تسلط به روشهای تحقیق	

عدم ثبات نظر در طی پژوهش	
آشنا نبودن با منابع به روز	
عدم ارائه وقت به دانشجویان	
وقت‌گشی و بی‌توجهی به زمان	
عدم دقت نظر	
نظم آزار دهنده	
عدم هماهنگی با سایر اساتید	

د) بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، پی‌جویی پاسخ برای این سؤال که «دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی از ویژگی‌های منفی اساتید چه تجربه و ادراکی دارند؟» مورد توجه قرار گرفت. در همین راستا، به مصاحبه با دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد و دکتری پرداخته شد. تلاش بر این بود که افراد از دانشگاه‌های مختلف انتخاب شوند و با کسانی مصاحبه شود که ویژگی منفی خاصی از اساتید خود دیده یا خاطرات ناخوشایندی از شاگردی کردن در محضر این اساتید داشتند. بعد از انجام مصاحبه با ۲۰ نفر و رسیدن به حد اشباع، پیاده‌سازی و تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها انجام شد.

اولین مضمون اصلی که حاصل آمد، «عیوب اخلاقی و ضعف‌های شخصیتی» با ۱۵ مضمون فرعی «بی‌نظمی، تندخویی، عدم خودداری اخلاقی، خودتحقیری، توهین به مقدسات، نگاه مادی و پول‌پرستی، عدم رازداری، کینه‌ورزی و انتقام‌جویی، لکنت زبان، غرور و تبختر، برخورد منفعلانه و هیجانی، لجاجت، قضاوت غلط، تمسخر و تحقیر دانشجویان، سوء استفاده مالی از دانشجویان» بود.

مضمون کلی دوم، «نقایص آموزشی و کلاس‌داری» بود. این عنوان کلی نیز ۱۶ مضمون جزئی‌تر را در بر گرفت که شامل این موارد است: «ضعف علمی، معرفی منابع ضعیف، پیچیده کردن مباحث، عدم تسلط به منابع جدید، عدم تدریس مباحث درسی، موضع‌گیری در برابر نقد و اشکال دانشجویان، ناتوانی در پاسخگویی به سؤالات، برگزاری کلاس یکنواخت، سخت‌گیری در حضور و غیاب، عدم درک شرایط دانشجو، تدریس ضعیف، عدم

پاسخگویی به سؤالات، ناتوانی در مدیریت کلاس، سختگیری در امتحان، تبعیض قائل شدن بین دانشجویان و بی‌عدالتی در نمره‌دهی».

«ایرادات و قصورات پژوهشی» آخرین مضمون اصلی حاصل شده با ۱۳ مضمون فرعی است که عبارتند از: «عدم کمک در پایان‌نامه و رساله، بهره‌کشی پژوهشی از دانشجو، عدم خلاقیت، عدم همخوانی توان پژوهشی اساتید با واقعیت، عدم تسلط بر موضوع و پایان‌نامه دانشجو، عدم تسلط بر روشهای تحقیق، عدم ثبات نظر در طی پژوهش، آشنا نبودن با منابع به‌روز، عدم ارائه وقت به دانشجویان، وقت‌کشی و بی‌توجهی به زمان، عدم دقت نظر، نظم آزار دهنده و عدم هماهنگی با سایر اساتید».

در مقایسه نتایج حاصل شده از این پژوهش با تحقیقات پیشین نیز می‌توان چنین گفت: وکیلی (۱۳۸۷)، سبحانی‌نژاد و رسولی (۱۳۸۸)، هرندی‌زاده (۱۳۸۹)، عابدینی (۱۳۸۹)، شهرکی (۱۳۸۹)، گشمرد (۱۳۹۰)، شریف‌نیا (۱۳۹۲)، درخشان (۱۳۹۲)، واعظی (۱۳۹۲)، میرزاحمدی (۱۳۹۲)، اکبری (۱۳۹۳)، سیانسیلو (۲۰۰۷)، ریچاردسون (۲۰۰۸)، پاولینا (۲۰۱۱)، لانبرگ (۲۰۱۴) و کاسیانیک (۲۰۱۷)، توان علمی و تسلط بر موضوع را از جمله ویژگی‌ها و وظایف اساتید دانشگاه دانسته‌اند، که در پژوهش حاضر بنا بر تجربه افراد مورد مصاحبه، برخی از اساتید فاقد این ویژگی اولیه و ضروری بوده و ضعف علمی داشته‌اند. در دسترس بودن و نظم اساتید، از جمله خصوصیات بوده که وکیلی (۱۳۸۷)، مباشری (۱۳۹۰)، گشمرد (۱۳۹۰)، وارول (۲۰۰۷)، پاولینا (۲۰۱۱) و نوشی (۲۰۲۲) و همکاران علمی‌شان، آن را برای استاد خوب بودن مورد تأکید قرار داده‌اند؛ امر مهمی که از سوی برخی از اساتید مورد غفلت و بی‌توجهی بوده و در این پژوهش برخی مصاحبه‌شوندگان بدان اشاره داشتند.

پاسخگویی به سؤالات، از جمله وظایف اساتید است که مباشری (۱۳۹۰) و پاولینا (۲۰۱۱) نیز آن را مهم قلمداد کرده‌اند؛ اما چنانکه در پژوهش حاضر مشخص شد، از سوی برخی از اساتید نادیده گرفته می‌شود. شیوایی بیان را عابدینی (۱۳۸۹)، مباشری (۱۳۹۰)، پاولینا (۲۰۱۱) و نوشی (۲۰۲۲)، از خصوصیات ضروری برای اساتید دانسته‌اند اما برخی از اساتید فاقد آن هستند چنانکه در تحقیق حاضر از سوی برخی از مصاحبه‌شوندگان عنوان شد. رعایت موازین اخلاقی از اصول مهم برای اساتید است که برخی نسبت به آن بی‌توجه‌اند و چنانکه در نتایج مشخص شد، برخی اساتید خودداری اخلاقی ندارند؛ اما این ضرورت برای اساتید، از سوی مباشری (۱۳۹۰)، میرزاحمدی (۱۳۹۲)، سیانسیلو (۲۰۰۷) و ریچاردسون (۲۰۰۸) تأکید شده است.

همان‌گونه که در نتایج این تحقیق مشخص شد، برخی از اساتید به انحای مختلف نسبت به وظایف آموزشی و پژوهشی خود مسئولانه و دغدغه‌مندانه برخورد نمی‌کردند؛ در حالی که احساس مسئولیت در قبال وظیفه، از بدیهیات وظایف حرفه‌ای است و هرندی‌زاده (۱۳۸۹)، واعظی (۱۳۹۲)، پاولینا (۲۰۱۱) و کاسیانیک (۲۰۱۷) نیز بر آن تأکید ورزیده‌اند. عابدینی (۱۳۸۹)، سیانسیلو (۲۰۰۷)، کاسیانیک (۲۰۱۷) و نوشی (۲۰۲۲) بر خوشرویی و مهربان بودن اساتید دانشگاه تأکید کرده‌اند، موردی که برخی فاقد آن می‌باشند و به تندخویی توسل دارند. برخورداری از مهارت تدریس را درخشان (۱۳۹۲)، گشمرد (۱۳۹۰) و واعظی (۱۳۹۲) و وظیفه مشاوره و حمایت از دانشجو را شهرکی (۱۳۸۹)، درخشان (۱۳۹۲) و واعظی (۱۳۹۲) و پاولینا (۲۰۱۱) اشاره کرده‌اند؛ موضوعاتی که بنا بر نتایج مصاحبه‌ها، برخی از اساتید نسبت به آنها بی‌توجه بوده‌اند. عدالت را واعظی (۱۳۹۲) و کاسیانیک (۲۰۱۷) برای اساتید بیان کرده و خصوصیات شخصیتی و فردی به طور کلی مورد تأکید گشمرد (۱۳۹۰)، شریف‌نیا (۱۳۹۲)، شهرکی (۱۳۸۹) و سیانسیلو (۲۰۰۷) بوده‌اند؛ ویژگی‌هایی که در نگاشته پیش رو، عدم برخورداری از آنها از سوی برخی اساتید، دلیل نگاه منفی دانشجویان به ایشان بوده است. ارتباط خوب با دانشجو و حفظ کرامت او را میرزامحمدی (۱۳۹۲)، پاولینا (۲۰۱۱)، لانوت (۲۰۱۲)، کاسیانیک (۲۰۱۷) و نوشی (۲۰۲۲)، ایجاد انگیزه و علاقه در دانشجویان را واعظی (۱۳۹۲)، لانوت (۲۰۱۲) و نوشی (۲۰۲۲) برای اساتید مهم دانسته‌اند. قاعدتاً تحقیر و تمسخر دانشجویان و موضع‌گیری در قبال نقد و... که برخی از اساتید بدان توسل جسته‌اند، با اصول ارتباط درست و ایجاد انگیزه همخوانی ندارد.

افزون بر آنچه ذکر شد، نوشی (۲۰۲۲) بر مواردی چون نظم و مدیریت کلاس، منابع تعلیمی مناسب؛ پاولینا (۲۰۱۱) بر ارائه مثال و تمرین کلاسی و جلب مشارکت دانشجویان؛ لانوت (۲۰۱۲) بر برخورداری از صبر؛ گشمرد (۱۳۹۰) بر ارائه مطالب جدید؛ درخشان (۱۳۹۲) بر مهارت ارزشیابی؛ میرزامحمدی (۱۳۹۲) بر وطن‌دوستی، بصیرت سیاسی و فعالیت اجتماعی؛ سعیدی بر رابطه نظارتی (۱۳۹۵)، سبحانی‌نژاد و رسولی (۱۳۸۸) بر توجه به سخن دانشجو؛ کاسیانیک (۲۰۱۷) بر شوخ‌طبعی؛ هرندی‌زاده (۱۳۸۹) بر قاطعیت بدون سختگیری، استفاده از وسایل کمک آموزشی، استفاده از روشهای مختلف آموزشی و بیان روشن اهداف آموزشی برای اساتید تأکید داشته‌اند؛ که اساتید در پژوهش حاضر، فاقد این ویژگی‌ها و توانمندی‌ها بوده‌اند و از این جهت، دانشجویان‌شان از ایشان تجارب و ادراک مثبتی ندارند. کیث اسپینگل و همکاران (۲۰۰۳) نیز بر تکالیف بحث‌برانگیز، روشهای آزمون و نمره‌دهی قابل بحث، تعامل

مشکل ساز، درگیری های دانشگاهی، مدیریت دانشجویان، و رازداری را از موارد چالش زا در رابطه استاد و دانشجو دانسته اند که در تحقیق حاضر نیز به تمام این موارد از سوی مصاحبه شونده گان اشاره شد.

مورد دیگری که در تحقیقات گذشته برای اساتید مهم قلمداد شده بود، اما در این پژوهش بدان اشاره نشد، وضعیت ظاهری اساتید بود؛ این موضوع بیانگر این مهم است که بیش از ظاهر، اخلاقیات و نحوه تعامل، بر ادراک دانشجویان از اساتید اثر می گذارد و تجارب خوب و بد، بیش از هر چیز برآمده از موضوعاتی فراتر از ظاهر است. هر چند ظاهر آراسته نیز در تعاملات افراد تأثیر مثبت دارد. از سوی دیگر، مضامینی چون: «خودتحقیری، توهین به مقدسات، نگاه مادی و پول پرستی، کینه ورزی و انتقام جویی، غرور و تبختر، برخورد منفعلانه و هیجانی، قضاوت غلط، مسخره کردن و تحقیر دانشجویان، سوء استفاده مالی از دانشجویان، پیچیده کردن مباحث، موضع گیری در برابر نقد و اشکال دانشجویان، ناتوانی در پاسخگویی به سؤالات، برگزاری کلاس یکنواخت، سختگیری در حضور و غیاب، عدم درک شرایط دانشجو، عدم کمک در پایان نامه و رساله، بهره کشی پژوهشی از دانشجو، عدم همخوانی توان پژوهشی اساتید با واقعیت، عدم تسلط بر موضوع و پایان نامه دانشجو، عدم تسلط بر روشهای تحقیق، عدم ثبات نظر در طی پژوهش، آشنا نبودن با منابع به روز، عدم دقت نظر و عدم هماهنگی با سایر اساتید»، از مواردی بودند که بدانها به طور مشخص در تحقیقات پیشین پرداخته نشده بود و این موارد را افراد مورد مصاحبه، از جمله ویژگی های منفی اساتید و سبب خدشه به کسوت ایشان قلمداد کردند.

به طور کلی و با توجه به نتایج باید گفت، یک استاد به همان اندازه که می تواند بال خویش را در مسیر رشد و تعالی شاگرد بگسترده و گام برداشتن او را در این مسیر سهل سازد، استادی دیگر با ضعفها و کاستی های خود می تواند این مسیر را برای شاگرد خویش مسدود یا صعب و دشوار سازد. بر این اساس، این مسئولیت متوجه خود اساتید است که به جایگاه و منزلتی که در آن قرار گرفته اند، توجه داشته باشند و در عرصه تربیت و علم و پژوهش، کم فروشی نکنند و چون گذشتگان این سرزمین که با شاگردپروی علمی و اخلاقی، چراغ دانش جویی و دانش پژوهشی را برافروخته نگاه داشتند، دغدغه مندانه طالبان علم را از وجود رشد یافته و خودساخته خویش سیراب کنند و خاطرات و تأثیرات مثبتی را در اذهان ایشان به جای گذارند. برای رسیدن به افق روشن نیز سهل ترین کار، پیش روی خویش قرار دادن تجارب مثبت و منفی دیگران است؛ به شکلی که از تجارب خوب بهره گیرند و ضمن توجه

به تجارب بد، خویشتن را از وجود آنها بپیرایند. افزون بر این، با نظر به نتایج پژوهش پیش رو، پیشنهاد می‌شود:

موضوع اخلاق حرفه‌ای در کارگاهها و دوره‌های مختلف دانشگاهی، مانند ضیافت اندیشه اساتید مورد توجه قرار گیرد؛ در این راستا و برای افزایش و تعمیق آگاهی اساتید، مدرّسین می‌توانند بر ویژگی‌ها و عملکردها منفی که در این تحقیق حاصل آمده، نظری داشته باشند و اساتید را به دوری جستن از آنها فراخوانند و بر پایه نتایج تحقیقاتی همچون پژوهش حاضر، تخلق به اخلاقیات را از ایشان مطالبه کنند و استادان را به انجام درست مسئولیتها و وظایف تربیتی، آموزشی و پژوهشی فراخوانند.

توصیه می‌شود در معرفی اساتید نمونه و سرآمد، به ویژگی‌های شخصیتی ایشان در کنار توانمندی‌های پژوهشی و آموزشی توجه شود؛ زیرا فردی که به عنوان الگو به جامعه دانشگاهی معرفی می‌شود باید از حداقلهای اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای برخوردار باشد و دانشجویان و جامعه دانشگاهی ایشان را به خصلتهای بدی که در این تحقیق بدانها پرداخته شد، نشناسند.

در دانشگاهها با ضعف پژوهشی، استاد ممکن است دچار رکود علمی شود و بعد از مدتی معین، دانشگاه تصمیم به اتمام همکاری با وی بگیرد و اخراج استاد به واسطه نداشتن مقاله و کتاب در چند سال متوالی، رقم بخورد. این ابزار تنبیهی اما در مورد اخلاقیات و ضعفهای شخصیتی، و همین‌طور نقایص آموزشی وجود ندارد و اساتید گاه با وجود مشکل و ضعفهای جدی و غیر قابل اغماض که در این پژوهش به مواردی از آنها پرداخته شد، تا زمان بازنشستگی به همکاری خود با دانشگاه ادامه می‌دهند و دانشگاهها توجه چندانی به تأثیرات منفی تربیتی و آموزشی ایشان بر دانشجویان ندارند؛ بنابراین، با نظر به جایگاه و تأثیرگذاری بالای اساتید بر دانشجویان، توصیه می‌شود در کنار ضعف پژوهشی، با ضعفهای جدی آموزشی و اخلاقی اساتید نیز برخورد قانونی صورت گیرد.

منابع

- اکبری، مجید؛ امیر تقوی، حبیب‌الله قنبری، محمد باقری و عاطفه عطوفی (۱۳۹۳). «مقایسه دیدگاه اساتید و دانشجویان درباره خصوصیات یک معلم خوب در رشته دندانبزشکی». *مجله دانشکده دندانپزشکی مشهد*، ش ۳۸ (۴): ۲۹۰-۲۸۱.
- امراهی، اکبر؛ وحید سلطان‌زاده و غلامرضا اسم حسینی (۱۳۹۳). «وضعیت اخلاق آموزشی اعضای هیئت علمی از دیدگاه دانشجویان پرستاری». *راهبردهای آموزش*، ش ۲۶: ۲۴۰-۲۳۵.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بازرگان عباس (۱۳۹۸). *روشهای تحقیق کیفی و آمیخته*. تهران: دیدار.
- باقرپور معصومه (۱۳۹۷). «تأثیر آموزش ذهنیت فلسفی بر نگرش دینی و مهارتهای زندگی معلمان». *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۲: ۲۸-۷.
- تیرگر، آرام؛ فروغ کاظمی، ساناز بابازاده، زهرا آق‌آلری و همت قلی‌نیا آهنگر (۱۳۹۷). «بررسی دیدگاه دانشجویان در مورد تدریس واحد درسی توسط اساتید متعدد در دانشگاه علوم پزشکی بابل». *پژوهش در آموزش علوم پزشکی*، ش ۱۰ (۱): ۳۸-۳۰.
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲). *سند دانشگاه اسلامی*. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- درخشان، اکبر؛ محمدرضا دارابی، معصومه سعیدی و محمدعلی کیانی (۱۳۹۲). «بررسی نظرات اساتید دانشگاه علوم پزشکی مشهد در مورد معیارهای یک استاد خوب دانشگاهی». *اخلاق پزشکی*، ش ۷ (۲۶): ۱۸۲-۱۵۹.
- رمضانی، فاطمه؛ محمدحسین حیدری و رضاعلی نوروزی (۱۳۹۸). «بازشناسی الگوی معلم الهام‌بخش مبتنی بر احوالات سه معلم برجسته ایران معاصر». *تربیت اسلامی*، ش ۳۰: ۱۵۵-۱۷۶.
- سبحانی نژاد مهدی و رحیمه رسولی (۱۳۸۸). «تبیین جایگاه و ضرورت شاگردپروری و مؤلفه‌های آن به منظور اثربخش‌سازی نظام آموزش و پژوهش دانشگاهی». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ش ۴۴: ۱۱۲-۸۰.
- سعدی مصلح بن عبدالله (۱۳۹۰). *گلستان*. تهران: پیام عدالت.
- سعیدی، یاسین؛ حمیدرضا آراسته و حسن‌رضا زین‌آبادی (۱۳۹۵). «ویژگی‌های یک استاد راهنمای خوب از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد: یک مطالعه کیفی». *مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ش ۷ (۱۳): ۱۵۴-۱۲۲.

بررسی ادراک دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی از ویژگی‌های ... ۱۶۱

- سیدعامری میرحسن و محمد امرایی (۱۳۹۸). «بررسی وضعیت موجود بالندگی اعضای هیئت علمی دانشکده‌های تربیت بدنی». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، ش ۸(۳): ۱۱-۲۴.
- شریف‌نیا، حمید؛ عباس عبادی و میترا حکمت افشار (۱۳۹۲). «ویژگی‌های استاد خوب از دیدگاه دانشجویان و اساتید پرستاری». نسیم تندرستی، ش ۲(۱): ۱-۱۰.
- شهرکی محمدرضا (۱۳۸۹). «معیارهای استاد خوب از دیدگاه اساتید و دانشجویان دانشکده پزشکی». تحقیقات علوم پزشکی زاهدان، ش ۱۲(۳): ۴۸-۴۸.
- عابدینی، سمیره؛ حسام‌الدین کمال‌زاده تختی، صدیقه عابدینی و تیمور آقاملایی (۱۳۸۹). «معیارهای یک استاد خوب دانشگاهی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان». مجله پزشکی هرمزگان، ش ۱۴(۳): ۲۴۶-۲۴۲.
- عباس‌زاده محمد (۱۳۹۱). «تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی». جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۲۳(۱): ۳۴-۱۹.
- قنبری برزیان، علی (۱۴۰۱). «مرجعیت استاد در میدان فرهنگی دانشگاه با تأکید بر متغیر سرمایه اجتماعی دانشگاهی (مطالعه موردی دانشگاه اصفهان)». جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ش ۱۱(۲): ۷۹-۹۵.
- گشمرد، رقیه؛ نیلوفر معتمد و حکیمه واحدپرست (۱۳۹۰). «دیدگاه‌های اساتید و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در مورد ویژگی‌های یک استاد خوب». آموزش در علوم پزشکی، ش ۱۱(۱): ۵۷-۴۸.
- مباحثی، محمود؛ شمسعلی خسروی، فاطمه دریس، فریده تاجی، زهرا طاهری، الهام مردان‌پور شهرکردی (۱۳۹۰). «ویژگی‌های استاد خوب از دیدگاه دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد». پژوهش در آموزش علوم پزشکی، ش ۳(۲): ۸-۱.
- مظلومی محمودآباد، سعید؛ زهره رهایی، محمدحسن احرامپوش و طاهره سلطانی (۱۳۸۹). «ویژگی‌های یکی استاد توانمند از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد». مجله پزشکی هرمزگان، ش ۴(۳): ۲۳۳-۲۲۶.
- میرزامحمدی، محمدحسن؛ محسن فرمهینی فراهانی، علیرضا یوزباشی و لیلا زرین (۱۳۹۲). «شناسایی و اعتبارسنجی شاخصهای استاد مطلوب دانشگاه اسلامی-ایرانی». فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ش ۳(۹): ۵۸۴-۵۶۳.
- نوه‌ابراهیم عبدالرحیم و جواد پورکریمی (۱۳۸۷). «ارائه الگوی مفهومی بهسازی اعضای هیئت علمی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی». پژوهش در نظامهای آموزشی، ش ۲(۵): ۱۰۱-۱۲۱.

- هرنندی زاده، الهه؛ امیر نعیمی، غلامرضا پزشکی راد و راضیه نامدار (۱۳۸۹). «بررسی خصوصیات استاد خوب از نظر دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس». پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ش ۱۶ (۴): ۴۱-۵۵.
- واعظی، رضا؛ نسیم مداح شریعتی و محمدصادق آزمندیان (۱۳۹۲). «معیارهای ارزشیابی اساتید در اندیشه دانشجویان؛ پژوهشی در دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی». مدیریت سازمانهای دولتی، ش ۱ (۵): ۲۹-۴۴.
- وکیلی، محمدمسعود؛ عباسعلی نوریان و سید نورالدین موسوی‌نسب (۱۳۸۷). «بررسی خصوصیات یک مدرس خوب از دیدگاه استادان و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زنجان». توسعه آموزش در علوم پزشکی ف ش ۱ (۱): ۱۷-۲۸.
- Blašková, M.; R. Blaško & A. Kucharčíková (2014). "Competences and competence model of university teachers". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 159: 457-467.
- Blašková, M.; R. Blaško, M. Jankalová & R. Jankal (2014). "Key personality competences of university teacher: Comparison of requirements defined by teachers and/versus defined by students". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 114: 466-475.
- Ciancialow, H. (2007). "The comparative students of college in the teacher characteristics". *Journal of Psychology*, 69(6): 32-33.
- Houston, D.; L.H. Meyer & S. Paewai (2006). "Academic staff workloads and job satisfaction: Expectations and values in academe". *Journal of higher education policy and management*, 28(1): 17-30.
- Kasyanik, P.M.; E.B. Gulk, M.V. Olennikova, K.P. Zakharov & V.N. Kruglikov (2017). "Educational process at the technical university through the eyes of its participants". In: *Interactive Collaborative Learning: Proceedings of the 19th ICL Conference-Volume 1* (P. 377-388). Springer International Publishing.
- Keith-Spiegel, P.; B.E. Whitley Jr, D.W. Balogh, D.V. Perkins & A.F. Wittig (2003). *The ethics of teaching: A casebook*. Psychology Press.
- Lanouette, M. (2012). "Ten Traits of Highly Effective Instructors". *Techniques: Connecting Education and Careers*, 87(6): 52-54.
- Lunenberg, M.; J. Dengerink & F. Korthagen (2014). *The professional teacher educator: Roles, behaviour, and professional development of teacher educators*. Springer Science & Business Media.
- Nushi, M.; A. Momeni & M. Roshanbin (2022). "Characteristics of an effective university professor from students' perspective: Are the qualities changing". *Front. Educ*, 7: 842640.
- Pavlina, K.; M.B. Zorica & A. Pongrac (2011). "Student perception of teaching quality in higher education". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 15: 2288-2292.
- Raufelder, D.; L. Nitsche, S. Breitmeyer, S. Keßler, E. Herrmann & N. Regner (2016). "Students' perception of "good" and "bad" teachers—Results of a qualitative thematic analysis with German adolescents". *International journal of educational research*, 75: 31-44.

- Richardson, K. (2008). "The Standpoint Collegian around Master Characteristics". *The Journal of curriculum*, 26(12): 39-40.
- Varvel, V.E. (2007). "Master online teacher competencies". *Online journal of distance learning administration*, 10(1): 1-41.
- <http://www.ispa.ir/Default/Details/fa/338>
- Abbaszadeh, Mohammad (2012). "Validity and reliability in qualitative researches". *Journal of Applied Sociology*, 23(1): 19-34.
- Abedini, Samira; Hesamuddin Kamalzade Takhti, Siddiqa Abedini & Taimur Agha Molai (2010). "Perspectives of medical students regarding criteria for a good university professor". *Hormozgan Medical Journal*, 14(3): 242-246.
- Akbari, Majid; Amir Taqvi, Habibullah Ghanbari, Mohammad Bagheri & Atefeh Atofi (2014). "Comparison of the Students' and Teachers' Viewpoints about the Characteristics of a Good Teacher in Dentistry". *Magazine of Mashhad Dental School*, 38(4): 281-290.
- Amrahi, Akbar; Vahid Sultanzadeh & Gholamreza Esm Hosseini (2014). "Teaching Ethics of Faculty Members Situation from the Viewpoints of Nursing Students". *Education Strategies in Medical Sciences*, 7(4): 235-240.
- Bagherpour, Massoumeh (2018). "The Effects of Philosophical Mindset Training on Religious Attitudes and Life Skills of Elementary School Teachers". *Applied issues in Islamic education*, 3(2): 7-28.
- Bazargan, Abbas (2019). **Qualitative and mixed research methods**. Tehran: Didar.
- Derakhshan, Akbar; Mohammad Reza Darabi, Masoumeh Saidi & Mohammad Ali Kayani (2014). "Examining the opinions of Mashhad University of Medical Sciences professors about the criteria of a good university professor". *Quarterly Journal of Medical Ethics*, Vol. 7, 26: 159-182.
- Gashmard, Ruqiyeh; Nilofar Moatamed & Hakimeh Vahedparast (2011). "Faculty Members' and Students' Viewpoints on Characteristics of a Good University Teacher in Boushehr University of Medical Sciences". *Iranian Journal of Medical Education*, 11(1): 48-57.
- Ghanbari Barzian, Ali (2022). "Professor Authority in the cultural field of the university with emphasis on the variable of university social capital (Case study of the University of Isfahan)". *Economic sociology and development*, 11(2): 79-95.
- Harandizadeh, Elaha; Amir Naimi, Gholamreza Pezeshki Rad & Razieh Namdar (2010). "Analysis of Good Faculty Characteristics from Student Perspective at College of Agriculture: Tarbiat Modares University Case". *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Vol. 16, Issue 4: 41-55.
- Iman, Mohammad Taghi (2012). **Methodology of Qualitative researches**. Qom: University and District Research Institute.
- Mazloumi Mahmoodabad, Saeed; Zohra Rahai, Mohammad Hassan Ehrampoosh & Tahereh Soltani (2010). "The characteristics of a good professor from the perspective of the students of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd". *Hormozgan Medical Journal*, 4(3): 226-233.
- Mirzamohammadi, Mohammadhasan; Mohsen Farmahini Farahani, Alireza Yuzbashi & Leila Zareen (2013). "Identification and Validation of

- Indicators of a Good Teacher in Iranian Islamic University".** *Culture in the Islamic University*, Vol. 3, Issue 9: 563-584.
- Mobashery, Mahmoud; Shams Ali Khosravi, Fatemeh Deris, Farideh Taji, Zahra Taheri & Elham Mardanpour (2011). **"Characteristics of a Good Teacher in Terms of Students of Health School in Shahrekord University of Medical Sciences"**. *Research in medical education*, 3(2): 1-8.
 - Nave Ebrahim, Abdul Rahim & Javad Pourkarimi (2008). **"Providing a conceptual model for the improvement of faculty members of universities and higher education centers"**. *Research in educational Science*. 2(5): 101-121.
 - Ramazani, Fatemeh; Mohammad Hossein Heydari &, Reza Ali Nowrozi (2019). **"Recognizing the model of an inspirational teacher based on the lives of three prominent teachers in contemporary Iran"**. *Islamic education*, 30: 155-176.
 - Saadi, Mosleh Ibn Abdullah (2011). **Golestan**. Tehran: Payam Adalat.
 - Saeedi, Yasin; Hamidreza Arasteh & Hasanreza Zeinabadi (2016). **"The Qualities of a Good Supervisor from the Viewpoint of Postgraduate Students: a Qualitative Study"**. *Higher Education Curriculum Studies*, Vol. 7, Issue 13:122-154.
 - Secretariat Supreme Council of the Cultural Revolution. (2013). **Islamic University document**. Tehran: Supreme Council of the Cultural Revolution.
 - Seyyed Ameri, Mirhasan & Mohammad Amraee (2019). **"Reviwing the Current State of Maturity among Faculty Members of Physical Education Faculties"**. *Applied research in sports management*. Vol. 8, Issue 3: 11-24.
 - Shahraki, Mohammadreza (2010). **"Characteristics of good professors from the point of view of professors and students of medical school"**. *Zahedan Journal of Research in Medical Sciences*, 12(3): 48-48.
 - Sharifinia, Hamid; Abbas Ebadi & Mitra Hekmat Afshar (2013). **"The Characteristics of Good Teacher Based on View Points of Students and Teachers: A Qualitative Study"**. *Health breeze*, Vol. 2, Issue 1: 1-10.
 - Sobhani-nejad Mahdi & Rahime Rasouli (2009). **"Explaining the place and necessity of discipleship"**. *The knowledge studies in Islamic University*, 44: 80-112.
 - Tirgar, Aram; Forough Kazemi, Sanaz Babazadeh, Zahra Aghalari & Hemmat Gholinia-Ahangar (2018). **"Assessing the Students' Viewpoint about teaching a course by several lecturer in Babol University of Medical Sciences"**. *Research in Medical Education*, 10(1): 30-38.
 - Vaezi, Reza; Nasim Madah Shariati & Sadeqh Azmandian Mohammad (2013). **"Professors' evaluation indicators, in students' thoughts, a research in the Faculty of Management and Accounting of Allameh Tabatabai University"**. *Public organizations Management*, 1(5): 29-44.
 - Vakili, Mohammad Massoud, Abbas Ali Noorian & Seyyed Nuruddin Mousavi Nesab (2008). **"Examining the characteristics of a good lecturer from the point of view of professors and students of Zanjan University of Medical Sciences"**. *Journal of Medical Education Development*. 1(1): 17-28.